

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

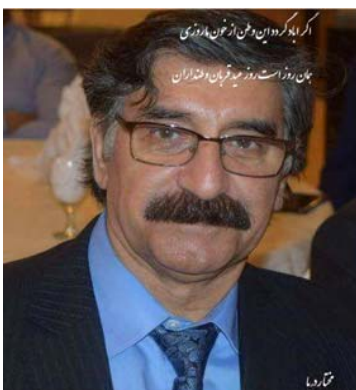
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا
۰۴ اگست ۲۰۱۹



بوسه وداع

دالان تنگ کوچه و آن لحظه وداع
آن صبحگاه سرد زمستان سرد سرد
یادم نمی رود
غلتیدن دو قطره اشکی ز دیده ات
چون طفل پا گریز ز غوغای کودکی
بر دشت گونه های گلایی چهره ات
زنگوله های یخ زده بر روی چادرت
در خاطر من چو نقش ابد آرمیده است
یادم نمی رود
آن دستهای داغ تو بر گونه های من
سرماي سرد را به تمسخر گرفته بود
دالان تنگ و کوچه پر خاطرات من

آن آخرین وداع که فرجام بوسه داشت

یادم نمی رود

آن طعم شور اشک تو روی لبان من

آن هق هق تو و آن لرزش تنت

چون باد نخل پر زامید مرا به شور

آورد و گرمی نفست زیر گوش من

پیغام درد ناک وداعم گرفت و رفت

گفتم که باش منتظرم باش باش باش

با چمبر دو دست سرم را بغل زدی

گفتی که تا ابد

عشق دگر حرام بود تا که زنده ام

آن بوسه وداع در آن تنگنای وقت

بر خاطرات مرده من جان تازه داد

یادم نمی رود یادم نمی رود

"مختار دریا" کانادا